



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۲۳۸۳-۳۹۶۳

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

بازتاب نگرش قرآنی - روایی شیعی در اشعار ابن‌هانی اندلسی

بهنام فارسی^۱، علی صیادانی^{۲*}، ابوالفضل فتحی^۳

^۱ استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

^{۲*} استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

^۳ کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۴/۱۹

پذیرش نهایی:

۱۴۰۱/۱۰/۱۱

چکیده

ابن‌هانی اندلسی از شاعران طراز اول و شیعه مذهب اندلس به شمار می‌آید. قرآن کریم یکی از سرچشمه‌های اندیشه ابن‌هانی است. او به وفور از مضامین و آموزه‌های قرآنی تأثیر پذیرفته و این تأثیرپذیری در اشعار او بیشتر به صورت مستقیم یعنی آوردن آیه به صورت کامل یا بخشی از آیه بدون هیچ گونه تغییری و گاه به صورت غیرمستقیم یعنی نقل مضمون آیه بوده است. از این طریق بسیاری از آموزه‌های قرآنی و اخلاق عملی را مانند: ذات روحانی و فضائل انمه(ع)، هدفمندی زندگی، حقانیت اهل بیت(ع)، شفیع بودن ایشان در روز قیامت، مقام امامت اهل بیت پیامبر، وفای به عهد، یاری خداوند، مؤدبه پیروزی به مؤمنان از سوی خداوند، صبر و استقامت در برابر ستمگران، تقوای الهی داشتن و پیروی از جانشینان او، زشتی صفت تکبر، پذیرش خطا و استغفار کردن، در لابه‌لای اشعار خود گنجانده است. این مقاله، پژوهشی در جهت شناسایی مواردی از اخلاق عملی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در اشعار ابن‌هانی، شاعر شیعه اندلسی است.

واژگان کلیدی:

نگرش قرآنی - روایی، شاعر

شیعی، ابن‌هانی اندلسی.

* نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: fathi@gmail.com ؛ a.sayadani@azaruniv.edu ؛ farsibehnam919@yahoo.com

استادیهی به مقاله:

فارسی، بهنام؛ صیادانی، علی و فتحی ابوالفضل (۱۴۰۱). بازتاب نگرش قرآنی - روایی شیعی در اشعار ابن‌هانی اندلسی. دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال هفتم،

شماره دوم (پیاپی ۱۰)، ص ۱۴۱-۱۵۷.

۱. مقدمه

سرمنزل مقصود و... در بخش‌های مختلف دیوان او هویدا است.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که تنها بخشی از عقاید شیعی این شاعر مورد پذیرش شیعه دوازده امامی است. و نگارش این مقاله به هیچ وجه مبنی تأیید عقاید شیعه اسماعیلیه شاعر توسط نگارندگان نیست، بلکه هدف تنها ارائه گفتمان شعری این شاعر است تا پژوهشگران با نحوه انعکاس عقاید دینی در شعر این دوره آشنا شوند.

۱.۱. هدف پژوهش

هدف اصلی از این مقاله شناخت نمونه‌هایی از اخلاق عملی موجود در اشعار ابن‌هانی اندلسی بر اساس آموزه‌هایی از قرآن کریم است.

۱.۲. سؤالات پژوهش

- ۱- تأثیرپذیری ابن‌هانی اندلسی از قرآن کریم به چه صورت-هایی است؟
- ۲- کدام یک از آموزه‌های اخلاق عملی در اشعار ابن‌هانی به کاررفته است؟

۱.۳. فرضیه پژوهش

ابن‌هانی بیشتر از آیات و آموزه‌های قرآن کریم به صورت مستقیم بهره گرفته است و اخلاق عملی را مانند: ذات روحانی و فضائل ائمه (ع)، هدفمندی زندگی، حقانیت اهل بیت (ع)، شفیع بودن ایشان در روز قیامت، مقام امامت اهل بیت

مطالعه زندگی‌نامه‌ی اکثر شاعران پهنه جهان اسلام نشان می‌دهد که غالب این شاعران از قرآن و آموزه‌های آن تأثیرپذیرفته و آن را در شعر خود منعکس کرده‌اند. البته این تأثیرپذیری به دو دلیل عمده است؛ اول این که این شاعران قبل از سرایش اشعار و مبادرت به نظم شعر، به یادگیری قرآن و علوم دینی می‌پرداختند و اکثراً هم قرآن را حفظ می‌کردند و به همین خاطر آیات و آموزه‌های قرآن در روح و جان آنان جای می‌گرفت و به تبع آن در شعرشان ظهور می‌یافت. دلیل دوم، تقلید شاعران از شعر و سبک شاعران دیگر است که موجب می‌شد مضامین این شاعران مشابه و مشترک با شاعران دیگر باشد. غافل از این که شاعر مقلد خود این مضامین را از قرآن و آیات نورانی آن برگرفته است؛ نتیجه هر دو حالت یکسان بود و باعث می‌شد که مضمون شعر این شاعران بازتاب و انعکاسی از مضامین اخلاقی و آموزنده قرآن باشد. یکی از این شاعران، ابن‌هانی شاعر شیعه اندلس است که شعرش به شدت تحت تأثیر آموزه‌های قرآن و تشیع است و هر خواننده-ای بدون توجه به آموزه‌های قرآنی و شیعه اسماعیلیه، به خواندن اشعار این شاعر مبادرت کند، برداشت و تعبیری ناصحیح از اشعار او خواهد داشت. ابن‌هانی در دوره‌ای که به شدت تحت سیطره حکومت غیرمشروع بنی‌امیه و بعد از آن بنی‌عباس قرار داشت، با زبان شعر خود به طرفداری از حکومت فاطمیان و اصول و عقاید شیعه اسماعیلیه که خود یکی از پیروان آن بود، پرداخت که همین امر را علت اصلی مرگ مجهول او دانسته‌اند. این شاعر برای تأکید و اثبات عقاید تشیع، از آیات و مضامین قرآنی سود جسته که در سراسر دیوان او به وضوح مشهود است. آموزه‌های اخلاقی چون عدالت، شجاعت، دفاع از مظلوم، پیروی از امامان برای رسیدن به

۵- مقاله علیرضا محمدرضایی تحت عنوان: «متنبی غرب و متنبی شرق»

اما در مورد بررسی اخلاق عملی بر اساس آموزه‌هایی از قرآن کریم در اشعار شاعر تاکنون، مطلبی به رشته تحریر در نیامده است و لذا این مقاله برای اولین بار به این مسأله می‌پردازد.

پیامبر(ص)، وفای به عهد، یاری خداوند، مژده پیروزی به مؤمنان از سوی خداوند، صبر و استقامت در برابر ستمگران، تقوای الهی داشتن و پیروی از جانشینان او، حسابرسی دنیا توسط خداوند، زشتی صفت تکبر، پذیرش خطا و استغفار کردن، در لابه‌لای اشعار خود گنجانده است.

۱.۴. روش پژوهش

روش پژوهش این مقاله، کتابخانه‌ای و تحلیلی بوده و به این صورت عمل شده است که ابتدا در مورد زندگی‌نامه شاعر بحث شده و سپس اشعار شاعر که در آن‌ها اقتباس از آیات قرآنی صورت گرفته مشخص شده، سپس از میان این اشعار، اشعاری که در زمینه اخلاق عملی بحث کرده تعیین شده و شرح و تحلیل و استنتاج شده است.

۲. زندگی‌نامه ابن‌هانی

ابوالقاسم محمد بن هانی بن محمد بن سعدون معروف به ابن هانی الاندلسی در سال ۳۲۰ یا ۳۲۶ در «سکون» یکی از روستاهای اشبیلیه به دنیا آمد (فروخ، ۱۹۸۴، ج ۴: ۲۶۷؛ ابن الخطیب، ۱۳۷۵/۱۹۵۵م، ج ۲: ۲۱۲) و در محیط سرشار از علم و ادب آنجا بزرگ شد (الفخوری، ۱۳۸۳: ۸۲۸) و در مراکز علم و ادب به یادگیری پرداخت.

ابن‌هانی ابتدا به مروان بن یبوست، ولی به آنچه که می‌خواست، دست نیافت به همین خاطر عازم «مغرب» شد و به فاطمیان ملحق شد و به مدح آنها پرداخت. او همچنین به دیدار جعفر بن علی و برادرش، یحیی رفت و طی قصابی آنها را مدح کرد.

اکثر ادباء او را جزو شعرای طبقه اول اندلس قرار می‌دهند و این خود گواه جایگاه والای او در شعر است. اما در مورد مرگ او گویند که در مسیر خود به «مصر» در «برقه» فوت کرده است و مورخان در مورد علت آن اتفاق نظر ندارند. (فروخ، ۱۹۸۴: ۲۶۷) بعد از این که خیر مرگ ابن‌هانی به المعز رسید، بسیار تأسف خورد و گفت: ما امید داشتیم که به وسیله ابن‌هانی بر شعرای شرق فخر بفروشیم اما تقدیر مانع این امر شد. (ابن‌خلکان، ۱۹۷۷: ۴۲۱)

۱.۵. پیشینه پژوهش

در مورد ابن‌هانی پژوهش‌هایی صورت گرفته و کتاب و مقالاتی نگاشته شده است از جمله:

- ۱- کتاب منیر ناجی تحت عنوان: «ابن‌هانی الاندلسی».
- ۲- کتاب أحمد حسن بسج تحت عنوان: «ابن‌هانی الأندلسی عصره و بیته و حیات و شعره».
- ۳- مقاله حیدر محلاتی تحت عنوان: «ابن‌هانی الأندلسی و نقاد شعره» و مقاله دیگر ایشان تحت عنوان «ابن‌هانی الاندلسی تأملات فی سیرته و ادبه».
- ۴- مقاله سعید شببانی تحت عنوان: «تقلین در دیوان ابن‌هانی اندلسی»

۳. سبک شعری ابن‌هانی

ترجمه: آب فرات او را سیراب نمی‌کند و کشتی نوح با تمام چیزهایی که در آن وجود دارد، گرسنگی او را برطرف نمی‌کند.

همه این‌ها در واقع نوعی الگوبرداری از شعر متنبی است و اکثر مضامینی که ابن‌هانی در شعر خود آورده، پیش از او متنبی در شعرش گنجانده است؛ برای مثال این دوییت از متنبی و ابن‌هانی را می‌توان مقایسه کرد:

قَوَاصِدُ كَافُورٍ تَوَارِكُ غَيْرِهِ
وَمَنْ قَصَدَ الْبَحْرَ اسْتَقَلَّ السَّوَابِيَا
(المتنبی، ۲۰۰۶م: ۳۳۸)

ترجمه: هر کس قصد دبدار کافور را کند از غیر او بی‌نیاز می‌شود؛ زیرا کسی که قصد دریا را کند، از جویبارها بی‌نیاز می‌شود.

ابن‌هانی، همین معنا را در قالب الفاظ دیگری بیان می‌کند:

إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا قَيْسُوا إِلَيْكَ مَعًا
فَأَنْتَ مِنْ كَثْرَةِ بَحْرٍ وَهُمْ نَقْطُ
(علی، ۱۳۵۲هـ: ۳۹۶)

ترجمه: اگر تمام پادشاهان با تو مقایسه شوند، تو به خاطر فزونیت، دریایی و آن‌ها به خاطر حقیر و کوچک بودنشان، چون نقطه‌های ریزند.

ابن‌هانی، همچنین از اشعار ابوتمام و بحتری تقلید می‌کرد و مضامین شعری آن دو را در شعرش می‌گنجانده، این نکته‌ای است که حُصْری در کتاب خود، «زهرالآداب و ثمرالآلباب» به آن اشاره کرده و ابیاتی را که ابن‌هانی از آن تقلید کرده، آورده است. (الحُصْری، ۱۴۲۱هـ، ج ۱: ۲۷۴)

هر شاعری سبک شعری خاص خود را دارد که با دقت در اشعار شاعر می‌توان به نوع سبک شعری او پی برد. ابن‌هانی نیز به عنوان شاعری خوش ذوق و حاذق دارای نوعی از سبک شعری است که به هیچ وجه متناسب با محیط زندگی او - یعنی اندلس و مغرب - نیست و بیشتر با الگوی شعر سنتی تطبیق‌پذیر است و تنها وجه تمایز آن در مضمون دینی و سیاسی اشعار است؛ می‌توان سبک اشعار او را در موارد زیر محصور کرد:

۳.۱. تقلید

ابن‌هانی شیفته شیوه متنبی در شعرسرایی بود و همانند او در شعرهایش بسیار مبالغه می‌کرد؛ به طوری که ممدوح خود را جامع تمام صفات نیک انسانی می‌دانست و او را در مرتبه الوهیت قرار می‌داد. (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۸۳۰):

هُوَ عَلَّةُ الدُّنْيَا وَمَنْ خُلِقَتْ لَهُ
وَلِعَلَّةٍ مَا كَانَتْ الْأَشْيَاءُ
(علی، ۱۳۵۲: ۱۵)

ترجمه: هر چیزی علتی دارد و او علت پیدایش دنیا و مخلوقات است.

این مبالغه^۲ در وصفیات او نیز به خوبی نمود دارد؛ برای مثال در یکی از شعرهایش شخص پرخوری را وصف می‌کند که دهان او چون میدان، وسیع و سیری‌ناپذیر است و آب فرات را یارای آن نیست که سیرایش کند:

فَلَيْسَ ثُرُوبِهِ أَمْوَاهُ الْفُرَاتِ وَلَا
يُقَوِّئُهُ فُلُوكُ نُوحٍ وَهُوَ مَشْحُونُ
(همان: ۷۵۹)

۳.۲. به کاربردن الفاظ پرتین

از دیگر ویژگی‌های شعر او، به کار بردن الفاظ پرتین است بدون اینکه ضرورتی وجود داشته باشد. همچنین ابن‌هانی الفاظ غریب زیادی را در شعرش به کار می‌برد؛ مانند: مَمَّنَّق، صَدَقَاء، الخَطِيء، (فروخ، ۱۹۸۴: ۲۶۷-۲۶۸) در این زمینه نیز الگوی او متنبی است منتها با یک تفاوت و آن این که این شیفتگی به آوردن لغات غریب موجب می‌شد که متنبی کلماتی شاذ و برخلاف قیاس را به کار برد، ولی ابن‌هانی هرگز قواعد نحوی و صرفی را زیر پا نگذاشت. (بسج، ۱۹۹۴: ۶۸)

شایان ذکر است که این الگوبرداری از شعر متنبی هرگز به معنای تقلید کورکورانه و سرقت الفاظ و معانی شعر متنبی نیست، بلکه شعر او حکایت‌گر از قدرت در دخل و تصرف معانی و غنای لغویی اوست. این عوامل باعث شده که او را متنبی غرب بنامند. این نام‌گذاری به خاطر این نیست که او از متنبی تقلید می‌کرده است، بلکه به این خاطر است که ابن‌هانی به رقابت با متنبی می‌پرداخت و همانند او شعرهای متین و غنی از لحاظ لغوی می‌سرود. این همان شیوه‌ای است که شعری اندلس شیفته آن شدند و از آن پیروی کردند. ابن‌درّاج قسطلی در رأس همه آنها قرار دارد. این شاعر هم از متنبی تأثیر پذیرفته و از مضامین شعری او استفاده کرده و هم از ابن‌هانی (همان: ۷۱) برای نمونه می‌توان این بیت ابن‌هانی را با بیت دیگری از ابن‌درّاج مقایسه کرد:

عَيْنَاكَ أَمْ مَغْنَاكَ مَوْعِدُنَا وَ فِي
وَادِي الْكَرِّي نَلْقَاكَ أَمْ وَادِيكَ
(علی، ۱۳۵۲هـ: ۵۳۱)

ترجمه: چشمان تو یا خانه تو محل دیدارمان است و آیا در دره پنهاور خواب دیدار می‌کنیم یا در وادی تو.

إِنَّ كَانَ وَادِيكَ مَمَّنُوْعًا فَمَوْعِدُنَا
وَادِي الْكَرِّي فَلَعَلِّي فِيهِ أَلْفَاكِ
(القسطلی، ۱۹۶۱م: ۵۳۹)

ترجمه: اگر دیدار در سرزمین و وادی تو ممنوع است پس محل دیدار ما سرزمین پنهاور خواب باشد؛ شاید با تو در آنجا دیدار کنم.

۳-۳. اقتباس

اقتباس از آیات قرآنی، پدیده‌ای است که در دیوان اکثر شاعران به‌خصوص شاعران عصر انحطاط به وضوح دیده می‌شود. ابن‌هانی نیز از این امر برکنار نبوده و با تضمین معانی و اقتباس آیات قرآنی بر غنای شعر خود افزوده است. از طرف دیگر این امر خود نشان از اطلاع شاعر بر کلام خداوندی دارد. برای نمونه، بیتی از دیوان شاعر می‌آوریم تا شاهدی بر مدعای ما باشد:

وَ لَمْ أَجِدِ الْإِنْسَانَ إِلَّا ابْنِ سَعِيهِ
فَمَنْ كَانَ أَشْعَى كَانَ بِالْمَجْدِ أَجْدَرًا
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۴۴)

ابن‌هانی، مضمون آیه ۳۹ سوره نجم را در شعرش گنجانده، آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى».

۳-۴. گرایش شیعی

بارزترین ویژگی او که در اشعارش نیز نمود دارد، گرایش شیعی اوست (المقری، ۱۹۸۸: ۴۰). او همچنین به ترویج تشیع نیز می‌پرداخت و با دشمنانشان مبارزه می‌کرد (بسج، ۱۹۹۴: ۶۵).

جابر بن جعفی روایت شده که گوید: از امام باقر(ع) تفسیر این آیه شریفه را پرسیدم که خداوند می‌فرماید: «مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابراهیم/۲۴ و ۲۵)

حضرت فرمودند: «أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللَّهِ (ص) وَفَرْعُهَا عَلِيُّ (ع) وَغُصْنُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَمْرُهَا أَوْلَادُهَا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَوَرَقُهَا شَيْعَتُنَا... مراد از درخت خود پیامبر(ص) است و فرع و شاخه‌ی آن علی(ع) و غصن آن درخت فاطمه(س) و میوه‌های آن فرزندان فاطمه می‌باشند و شیعیان برگ‌های آن درخت هستند». (شیبانی، ۱۳۸۱هـ: ۱۴۶)

ابن‌هانی نیز می‌گوید:

مِنْ صَفْوِ مَاءِ الْوَحْيِ وَهُوَ مُجَابَةٌ
مِنْ حَوْضِهِ الْيَنْبُوعِ وَهُوَ شَفَاءٌ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۲)

ترجمه: تار و پودش از آب زلال وحی و عصاره وجودی فرشتگان و چشمه آب شفا بخش کوثر است. (شیبانی، ۱۳۸۱: ۱۴۶)

بهره‌گیری شاعر از میراث دینی و تاریخی و شعری، چه به صورت لفظی و چه مضمون، نشان‌دهنده این است که یکی از مهم‌ترین منابع شعری ابن‌هانی، مضامین دینی است. ابن‌هانی ویژگی‌های شخصیت‌های دینی و تاریخی را به خود نسبت نمی‌دهد، بلکه این ویژگی‌ها را به ممدوحش نسبت می‌دهد، مانند همین شعر ابن‌هانی در مدح معز که در این شعر تمام صفات نبی اکرم(ص) را به او نسبت داده است. (اسماعیل الطائنی، ۲۰۰۵م: ۳۵)

همچنین کلمه «شفاء» با توجه به این بیت و مفهوم آن اشاره دارد به آیه «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (أسراء: ۸۲)

أَبْنَاءَ فَاطِمَ هَلْ لَنَا فِي حَشْرِنَا
لَجَأٌ سِوَاكُمْ عَاصِمٌ وَ مُجَارٌ
أَشْمُ أَجْبَاءَ الْإِلَهِ وَ آلَهُ
خُلَفَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ الْأَبْرَارُ
أَهْلُ النَّبُوءَةِ وَ الرِّسَالَةِ وَ الْهُدَى
فِي الْبَيْنَاتِ وَ سَادَةُ أَطْهَارُ
إِنْ قِيلَ مَنْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ لَمْ يَكُنْ
إِلَّاكُمْ خَلْقٌ إِلَيْهِ يُشَارُ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۵۰)

۴. اخلاق عملی در اشعار ابن‌هانی

رعایت اخلاق عملی تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها است که پیوسته در اسلام، قرآن کریم و کتب آسمانی دیگر بدان سفارش شده است که پیامبران و امامان معصوم نقش بزرگی در بیدارسازی و آگاهی مردم به این آموزه‌های اخلاقی داشته‌اند. اما در کنار این‌ها، شاعران نیز نقش بزرگی در تحکیم مبانی اعتقادی، دینی، عملی بازی می‌کنند و این عقاید را در اشعارشان متجلی می‌کنند. ابن‌هانی نیز از شاعرانی است که در لابه‌لای قصائد زیبایی که سروده است، بسیاری از آموزه‌های اخلاق عملی را گنجانده که به بررسی نمونه‌هایی از آن آموزه‌ها می‌پردازیم:

۴.۱. ذات روحانی و فضائل ائمه (ع)

درباره فضائل امامان و مظلومیت آن‌ها هم در کتاب‌های بزرگان شیعه و هم در کتاب‌های دانشمندان اهل سنت و هم در اشعار بسیاری از شاعران برجسته عرب، اشک قلم بر گونه صفحات روان شده است. مثلاً در کتاب معانی الأخبار از

بیت (ع) است که هیچ قلم و شعری هرچند به درازا کشد، قادر به بیان گوشه‌ای از صفات آنان نیست.

۴.۲. هدف‌مندی زندگی

و ما خُلِقْتُ عَبْنًا أُمَّةً
و لا تُرِكَ اللَّهُ قَوْمًا سُدًى

(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۲۵)

ترجمه: هیچ قومی بی‌په‌ده آفریده نشده است و خداوند هیچ یک از مردمان را به حال خود رها نکرده است.

اقتباس‌های قرآنی ابن‌هانی یا به شکل مستقیم است؛ یعنی عین آیات قرآنی را بدون تغییر در شعر خود به کار می‌برد. او در این بخش، آیات قرآنی را متناسب با موضوعات قصایدش به کار برده است و تناسب خوبی بین متن قرآنی و شعری ایجاد کرده و ساختار لفظی آیات قرآنی را حفظ کرده است. اما صورت دوم اقتباسات قرآنی در شعر ابن‌هانی به شکل تناص غیرمستقیم یا همان نقل مضمون آیات قرآنی و به کار بردن آن در ساختار شعری است. در این بخش شاعر ساختار لفظی آیات را تغییر می‌دهد و بیشتر مضمون آیات قرآنی مدنظر شاعر است (اسماعیل الطائی، ۲۰۰۵م: ۴۴-۴۵) همانند بیت بالا که اقتباسی است از این آیه قرآنی: «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى» (القيامة / ۳۶) آیا انسان گمان می‌کند بی‌په‌ده و مهمل [و بدون تکلیف و مسؤولیت] رها می‌شود؟! شاعر در این بیت با استفاده از مضمون آیه قرآنی بر این نکته تأکید دارد که هیچ یک از امور این دنیا بی‌نظم و قاعده نیست و هر چیزی هدفی خاص را دنبال می‌کند و زندگانی انسان هدف‌مند است و خداوند متعال نیز هیچ امتی را بی‌په‌ده

ترجمه: و از قرآن آن‌چه را که برای مؤمنین شفاء و رحمت است فرو می‌فرستیم و بر ستمکاران جز زیان نمی‌افزاید. در این بیت همان‌طوری که دیده می‌شود وام‌گیری شاعر از قرآن کریم به صورت مستقیم و در قالب لفظ «شفاء» صورت گرفته است.

ابن‌هانی در مدح خلیفه المعز لدین الله، فضایل و مناقب امامان همام را این‌گونه توصیف می‌نماید:

مِنْ أَيْكَةِ الْفِرْدَوْسِ حَيْثُ تَقَنَّتْ
ثَمَرَاتُهَا وَ تَقَيَّأُ الْأَقْيَاءُ

(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۲)

ترجمه: او سرشته از آن درخت جاودان به ثمر نشسته و سایه گسترده است.

این بیت تلمیح و اشاره‌ای است به این حدیث: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) تَنَاوَلَ التَّفَّاحَ لَيْلَةَ الْإِسْرَاءِ فَكَانَتْ مِنْهَا فَاطِمَةُ (ع) وَ كَانَ يَشْمُهَا إِذَا اشْتَقَّ إِلَيْهَا: رسول خدا (ص) در شب معراج سیبی از بهشت تناول نمودند که همان سیب نطفه حضرت زهرا (س) شد و رسول خدا (ص) می‌فرمود که هر گاه به بهشت مشتاق می‌شد زهرای اطهر (س) را می‌بوید.» (علی، ۱۳۵۲: ۱۶)

از آن‌جا که ابن‌هانی، وجود و سلاله دولت فاطمیان را از وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (س) می‌داند؛ تمام صفات والای انسانی را که در نهاد آن بانوی بزرگوار جمع شده است، به فاطمیان و خلیفه آنان یعنی معز نسبت می‌دهد و با این کار در واقع به مدح اهل بیت (ع) نیز می‌پردازد. اگر با این زاویه دید به اشعار مدحی که شاعر در مورد معز و سرداران دولت فاطمی سروده، بنگریم، خواهیم دید که تمام کلامش راستین و صادق است و هیچ کفر و الحادی در منطق او نیست؛ زیرا مقصود اصلی او از تمام این مدایح طولانی بیان صفات اهل

ترجمه: شما مُحَبَّبان خدا و اهل بیت پیامبر (ص) و جانشینان نیک‌کردار او در زمین هستید. شما خاندان نبوت، رسالت، هدایت، پاکی و طهارت هستید.

همان‌طوری که به وضوح مشاهده می‌گردد شاعر به مسأله امامت اشاره دارد که بعد از پیامبر (ص) خاص خاندان پیامبر (امامان معصوم) می‌باشد و بعد ایشان، شاعر آن را منتسب به خلفای فاطمی می‌داند و آنها را جانشین اهل بیت (ع) برمی‌شمارد.

۴.۵. وفای به عهد

در قرآن کریم و احادیث و شریعت اسلامی پیوسته به وفای به عهد سفارش‌های بسیار شده است: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء/۳۴): و به مال یتیم تا زمانی که به سن بلوغ و رشدش برسد، جز به بهترین شیوه نزدیک نشوید و به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد.

و در حدیث شریف آمده است: «لِكُلِّ غَادِرٍ لَوْاءٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُعْرَفُ بِهِ: هر خیانت‌کاری روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته شود». (نهج الفصاحه)

یکی از آموزه‌های اخلاق عملی که ابن‌هانی بدان بسیار در اشعارش سفارش کرده است وفای به عهد و خلف وعده نکردن می‌باشد که در این جا نیز ابن‌هانی علاوه بر این نکته‌ی زیبای اخلاقی که در شعرش جای داده اشاره به معصومیت ائمه اطهار و میرا بودن ایشان از گناه و خلف وعده دارد:

نیافریده و این‌ها همه نشان از هدف‌مند بودن دنیا توسط آفریننده بی‌نظیر اوست.

۳-۴. حقانیت اهل بیت (ع) و شفیع بودن ایشان در روز قیامت

أَبْنَاؤُ فَاطِمَةَ هَلْ لَنَا فِي حَشْرِنَا
لَجَأٌ سِوَاكُمْ عَاصِمٌ وَ مُجَاوِزٌ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۵۰)

ترجمه: ای فرزندان حضرت فاطمه (س) آیا در روز حساب و کتاب، ما را پناهی جز شما هست.

ابن‌هانی به صراحت بر حقانیت فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) تأکید می‌کند. از دید ابن‌هانی؛ فاطمیان، دوستان خداوند و برگزیده و خلیفه خداوند بر روی زمین‌اند که نبوت و رسالت از میان ایشان است و اشاره به این نکته دارد که در روز قیامت تنها اهل بیت رسول اکرم (ص) و خاندان پاک ایشان شفیع مسلمانان و پناهگاه آنها در آن روز سهمگین خواهند بود.

۴-۴. مقام امامت اهل بیت پیامبر (ص)

أَنْتُمْ أَحِبَّاءُ إِلَهِهِ وَ أَوْلَىٰ
خُلُقَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ الْأَبْرَارُ
أَهْلُ النَّبُوَّةِ وَ الرِّسَالَةِ وَ الْهُدَىٰ
فِي الْبَيْتِ وَ سَادَةُ أَطْهَارُ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۵۰)

۴.۶. یاری خداوند

لَعْمَرِي لَقَدْ أُيِّدْتُ يَوْمَ الْوَعَىٰ بِهِ
 كَمَا أُيِّدْتُ كَفَاكَ بِالْأَنْمَلِ الْعَشْرِ
 لَدَلِّكَ نَاجِي اللَّهِ مُوسَىٰ نَبِيَّهُ
 فَتَأَذَىٰ أَنْ اِشْرَحَ مَا يَضِيقُ بِهِ صَدْرِي
 وَ هَبْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَخِي اسْتَعْنُ بِهِ
 وَ شُدِّدْ بِهِ أَرْزِي وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۵۸)

ترجمه: سوگند یاد می‌کنم به اینکه خداوند در روز جنگ یاریت داد همان‌طور که وجود دستانت وجود انگشتان دهگانه را تأیید می‌کنند. برای این خداوند به کمک پیامبرش، حضرت موسی (ع) شتافت و به او یاری رساند که موسی (ع) در حالت دعا به خدا گفت: آن‌چه که سینه‌ام را تنگ کرده بگشای و برادر مرا به عنوان وزیر من قرار ده و به وسیله او به من یاری رسان و پشتم را به او استوار کن او را شریک کارم گردان.

این ابیات مقتبس از آیات: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ اخْلُ عُنْدَهُ مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي * وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي * هَازُونَ أَخِي * اشْدُدْ بِهِ أَرْزِي * وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي» (طه: ۳۲-۳۵) گفت: ای پروردگرم! سینه‌ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده گردان* و کارم را برای آسان ساز* و گریهی را [که مانع روان سخن گفتن من است] از زبانه بگشای* تا سخنم را بفهمند* و از خانواده‌ام دستگیری برایم قرار ده* هارون، برادرم را* پشتم را به او محکم کن* و او را در کارم شریک گردان.

این ابیات دربردارنده این مضمون اخلاقی عملی است که خداوند هیچ یک از بندگانش را تنها به حال خود و نمی‌نهد و در مواقع سختی به فریادش می‌رسد و انسان یاری خدا را در دعاها خالصانه‌اش به درگاه او طلب می‌کند و خداوند نیز

وَ الْوَحْيِ وَ التَّأْوِيلِ وَ التَّحْرِيمِ
 وَ التَّحْلِيلِ لَا خُلْفٌ وَلَا اِنْكَارُ
 اِنْ قِيلَ مَنْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ لَمْ يَكُنْ
 اِلَّا كُمْ خَلَقَ اِلَيْهِ يُشَارُ
 لَوْ تَلْمِزُونَ الصَّخْرَ لَا تَبْجَسَتْ بِهِ
 وَ تَفْجَرَتْ وَ تَدْفَقُّتْ اَنْهَازُ
 (ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۱۵۰)

ترجمه: شما خاندان وحی و تأویل و تحریم و تحلیل هستید، خُلف وعده نمی‌کنید و کسی را یاری انکار آن نیست. اگر گفته شود: بهترین مخلوقات کیست؟ غیر از شما کسی نیست که بدان اشاره شود. اگر شما به سنگ خارا دست بزنید، رودهای پرآبی از آن فوران می‌کند. (شیبانی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۵۱)

بیت اخیر اشاره دارد به آیه: «وَ قَطَّعْنَا لَهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِطًا أُمَّمًا وَ أَوْحَيْنَا اِلَىٰ مُوسَىٰ اِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ اَنْ اَصْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَاتَّبَحَسَّتْ مِنْهُ اِثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا فَمَنْعَ كُلِّ اُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (اعراف/۱۶۰) و ما بنی اسرائیل را به دوازده قبیله که هر یک امتی بودند، تقسیم کردیم و به موسی هنگامی که قومش از او درخواست آب کردند، وحی نمودیم که عصایت را بر این سنگ بزن؛ در نتیجه دوازده چشمه از آن جوشید؛ هر گروهی چشمه ویژه خود را شناخت؛ و ابر را بر سر آنان سایبان قرار دادیم و برای آنان منّ و سلوی [یعنی ترنجبین و مرغی مخصوص] نازل کردیم [و به آنان گفتیم] از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما دادیم بخورید و [آنان با سرپیچی از فرمان‌های ما] بر ما ستم نکردند، ولی همواره بر خود ستم می‌ورزیدند.

بندگانش را دست خالی از درگاهش باز نمی‌گرداند. همان‌طور که حضرت موسی (ع) از خداوند تقاضای کمک کرد و خداوند نیز با دادن سعه صدر به او و فرستادن هارون به عنوان وزیر به فریادش رسید و او را یاری داد.

۸-۴. صبر و استقامت در برابر ستمگران

فَتَرَبَّصُوا فَاللَّهُ مُنْجِزٌ وَعَدَهُ
قَدْ أَنْ لِلظَّالِمَاءِ أَنْ تَتَكَشَّفَا

(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۲۰۴)

ترجمه: پس منتظر باشید که خداوند تحقق بخش وعده‌اش می‌باشد و زمان آن فرا رسیده است که پرده تاریکی کنار زده شود و روشنایی پدید آید.

مضمون این بیت برگرفته شده از آیه ۴۷ سوره الحج است: «وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ» (الحج/۴۷)

ترجمه: و آنان از تو [بر پایه ریشخند] شتاب در عذاب را درخواست می‌کنند، در حالی که خدا هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند و همانا یک روز نزد پروردگارت مانند هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمارید [برای او زمان نزدیک، زمان دور، امروز، دیروز، گذشته و آینده مفهومی ندارد؛ بنابراین فاصله زمانی شما با عذاب الهی شما را دچار این پندار نکند که تهدید به عذاب، تهدیدی طولانی و دروغ است].

تنها بخشی از آیه ۴۷ سوره حج یعنی «وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ» با بیت هم‌خوانی دارد و شاعر معنای این آیه را با توجه به مصراع اول اقتباس کرده و این نکته را بیان داشته که خداوند متعال هرگز خلف وعده نمی‌کند و به یاری مسلمین می‌شتابد اگر صبر و استقامت داشته باشند.

۷-۴. مژده پیروزی به مؤمنان از سوی خداوند

مُتَقَلِّدًا سَيِّفِينَ: سَيْفَ اللَّهُ مِنْ
نَصْرٍ وَ سَيْفِكَ ذَا الْفَقَارِ الْمَرْهَفَا

(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۲۰۵)

ترجمه: پیروی‌کننده از دو شمشیر است شمشیر خدا برای پیروزی و شمشیر تو که همچون شمشیر ذوالفقار تیز و برنده است.

مضمون این بیت منطبق با آیه ۱۳ سوره الصف است: «وَأُخْرَى تُجِيبُهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ» (الصف/۱۳)

ترجمه آیه «و نعمت‌های دیگری که آن را دوست دارید [و به شما عطا می‌کند] یاری و پیروزی نزدیک از سوی خداست و مؤمنان را مژده ده».

شاعر در این جا اشاره به شمشیر امام علی (ع)؛ یعنی «ذوالفقار» دارد و این که پیروزی به خواست خداوند و با توکل بر او و تنها نصیب بندگان مؤمن و خداپرست می‌شود. ابن‌هانی بخشی از آیه ۱۳ را یعنی «نصر من الله» را با اندکی تحویر (جابجایی در الفاظ) به صورت «الله من النصر» به کار برده است. بنابراین تناص موجود در این بیت هم تناص مستقیم است؛ یعنی الفاظی را از آیه قرآنی وام گرفته و هم تناص غیرمستقیم دارد؛ یعنی نقل مضمون آیه است که بیان می‌دارد

۴.۹. تقوای الهی داشتن و پیروی از جانشینان او

از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی-عملی که بدان در اسلام بسیار تأکید شده می‌توان از تقوا نام برد که نقش بسیار مهم و حیاتی در زندگی انسان بازی می‌کند و خداوند متعال نیز در آیات بسیاری بدان اشاره کرده است مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا». (احزاب/۷۰)

ترجمه: ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و سخن درست و استوار گوید.

ابن‌هانی نیز در اشعارش بدین آموزه اخلاقی اشاره می‌کند و می‌گوید:

لَوْ تَتَّقُونَ اللَّهَ لَمْ يَطْمَحْ لَهَا
طَرْفٌ وَ لَمْ يَشْمَخْ لَهَا عَرِينٌ
لَكِنَّمْ كُنْتُمْ كَأَهْلِ الْعَجَلِ لَمْ
يُحْفَظْ لِمُوسَى فِيهِمْ هَرُونَ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۳۵۵)

ترجمه: اگر تقوای خدا پیشه خود می‌ساختید، هیچ جاه‌طلب و بلندپروازی چشم به خلافت نمی‌دوخت، ولی شما همچون اسرائیلی‌ها (ستمگران) بودید که هارون را در میان خود ارج نهادند و زیون یافتند، شما نیز با علی (ع) چنین کردید. (شیبانی، ۱۳۸۱: ۱۴۳)

این ابیات اشاره دارد به آیات ۱۴۷ و ۱۵۰ سوره اعراف: «و

اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى بَعْدَهُ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ
لَا يَكْلُمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ»
(اعراف/۱۴۷)

ترجمه: قوم موسی پس از [عزیمت] او، از زیورهای خود مجسمه گوساله‌ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت.

آیا ندیدند که آن [گوساله] با ایشان سخن نمی‌گوید و راهی بدان‌ها نمی‌نماید؟ آن را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند.

«و لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ
بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ
إِلَيْهِ قَالَ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَ كَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ
بِي الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلَنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (اعراف/۱۵۰)

ترجمه: و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و [موی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. [هارون] گفت: «ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده.

همچنین اقتباس مضمونی از آیه: «و أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَ أُولُو الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) می‌باشد. ابن‌هانی در ابیات مذکور با توجه به وام‌گیری‌های قرآنی از آیات سوره «اعراف» و «نساء» به این نکته‌ی اخلاقی اشاره دارد که تقوای الهی داشتن یکی از ملزومات انسان مسلمان و خداشناس است و راه اطاعت بندگان از اوست و به تبع اطاعت از خداوند متعال، اطاعت از پیامبران او و جانشینان ایشان را به دنبال خواهد داشت.

۴.۱۰. حسابرسی دنیا توسط خداوند

وَ لَقَدْ أَتَيْتِ الْأَرْضَ مِنْ أَطْرَافِهَا
وَ وَطِئَتْهَا بِالْعِزْمِ وَ هِيَ ذَلُولٌ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۲۶۳)

ترجمه: و قطعاً تو زمین و اکناف آن را به هم آوردی و با عزم و اراده آن را پیمودی در حالی که زمین رام تو بود.

عبارت «و لقد أتيت الأرض من أطرافها» اشاره دارد به این آیه قرآنی: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ.» (الرعد: ۴۱)

ترجمه: «آیا نمی‌دانند که ما همواره به زمین می‌پردازیم و از اطراف [و جوانب] آن [که ملت‌ها، اقوام، تمدن‌ها و دانشمندان هستند] می‌کاهیم؟ و خدا حکم می‌کند و هیچ بازدارنده‌ای برای حکمش نیست و او در حسابرسی سریع است.»

وام‌گیری شاعر در این بیت همان‌طوری که مشهود است از نوع اقتباس لفظی است یعنی ابن‌هانی عیناً آیه قرآنی را با الفاظش در بیت خود گنجانده است و به کمک آن به این نکته اخلاقی اشاره می‌کند که خداوند متعال به امور این دنیا (زمین) می‌پردازد و تمام امور این دنیا بر پایه حساب و کتاب است خداوند بهترین حسابگران می‌باشد. با توجه به این آموزه، انسان می‌تواند از خواب غفلت برخیزد و مراقب اعمال خود باشد و با تأکید به این که حسابرسی وجود دارد، از اعمال غلط و اشتباه خود دست شوید و به راه راست درآید.

۱۱-۴. زشتی صفت تکبر

لَأَلْفَتْهُ إِلَيْهِ الْأَبْحَرُ الصَّمُّ أَمْرَهَا
وَ هَبَّتْ بِمَا شَاءَ الرِّيحُ السَّوَاهِكُ
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۲۴۳)

ترجمه: قطعاً دریاهاى خاموش فرمانش را به او ابلاغ کردند و بادهای طوفانی به اراده او وزیدند.

مضمون این بیت با این آیه قرآنی هم خوانی دارد: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُتُوبِ مَا إِنَّ

مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ.» (القصص: ۷۶)

ترجمه: همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد، و از گنجینه‌های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند دشوار می‌آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی مکن، قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد.

اقتباسی که شاعر در این بیت انجام داده اقتباس معنایی-مضمونی سوره قصص است که بیان داشته غرور و تکبر عامل بدبختی و شقاوت انسان‌ها می‌گردد و از رسیدن به اهداف عالی و کمال بازمی‌دارد و انسان را به سمت پیروی از هواهای نفسانی سوق می‌دهد و کسی که دچار خود پسندی می‌شود، موفقیت‌ها و پیروزی‌های به دست آمده در زندگی را از آن خود می‌داند و این‌ها همه زمینه دوری از خداوند و غضب او را به دنبال دارد.

۱۲-۴. پذیرش خطا و استغفار کردن

وَ الذَّنْبُ فِي مَدْحِ رَأَيْتَكَ فَوْقَهُ
أَيُّ الرِّجَالِ يُقَالُ فِيكَ أَصَابًا
هَبْنِي كَذِي الْمَحْرَابِ فِيكَ وَ لَوْمِي
كَالْخَصْمِ حِينَ تَسَوَّرُوا الْمَحْرَابًا
فَأَنَا الْمُنِيبُ وَ فِيهِ أَعْظَمُ أَسْوَهُ
قَدْ خَرَّ قَبْلِي رَاكِعًا وَ أَنَابًا
(ابن‌هانی، ۱۴۰۰هـ: ۵۳-۵۴)

ترجمه: گناه از آن من است اگر مدحی گفتم که تو بالاتر از آنی؛ کدام شاعر را می‌توان یافت که مدحش بتواند در شأن تو باشد. فرض کن که من چون حضرت داود(ع) هستم و سرزنشگرانم مانند شاکیانید که از دیوارهای خانه او بالا رفتند تا شکایت خویش پیش او برند. و من اکنون [از قصور خویش در مدح تو] به سوی تو نالان و زار آمده‌ام و او بهترین الگو

برای من است که به خاطر خطای خویش در دادرسی در مقابل خداوند سجده و توبه کرد.

ابن‌هانی برای بیان این که با مدح خویش نتوانسته است، شأن و مقام جعفر بن علی را بیان کند، از تراش دینی استفاده کرده است و داستان حضرت داود(ع) و ماجرای دادرسی نزد وی و استغفار آن حضرت را در ضمن ابیات خود می‌آورد. ابن‌هانی آیه ۲۱ تا ۲۶ سوره ص را در بطن متن شعری خود قرار داده است و بین خود و حضرت داود مشابهت ایجاد کرده و وجه‌شبه را تسامح و ترک اولی بودن داده است.

برای فهم بهتر این بخش از قصیده ماجرای حضرت داود(ع) را از تفسیر نمونه می‌آوریم: «محراب به معنی صدر مجلس و یا غرفه‌های فوقانی است و چون محل عبادت در آن قرار می‌گرفته تدریجاً به معنی معبد به کار رفته است و در استعمالات روزمره خصوصاً به مکانی که امام جماعت برای اقامه نماز جماعت می‌ایستد گفته می‌شود. در مفردات از بعضی نقل شده که محراب مسجد را از این نظر محراب گفته‌اند که محل حرب و جنگ با شیطان و هوای نفس است. به هر حال با این که داود محافظین و مراقبین فراوانی در اطراف خود داشت، طرفین نزاع از غیر راه معمولی از دیوار محراب و قصر او بالا رفتند و ناگهان در برابر او ظاهر گشتند، چنان که قرآن در ادامه این بحث می‌گوید: ناگهان آنها بر داود وارد شدند (بی‌آن که اجازه‌ای گرفته باشند و یا اطلاع قبلی بدهند) لذا داود از مشاهده آنها وحشت کرده؛ زیرا فکر می‌کرد قصد سوئی در باره او دارند. اما آنها به زودی وحشت او را از بین بردند و گفتند: نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری تعدی کرده و برای دادرسی نزد تو آمدیم. اکنون در میان ما به حق داوری کن، و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت فرما.

مسلماً نگرانی و وحشت داود در اینجا کم شد، ولی شاید این سؤال هنوز برای او باقی بود که بسیار خوب، شما قصد سوئی ندارید و هدف‌تان شکایت نزد قاضی است، ولی آمدن از این راه غیر معمول برای چه منظوری بود؟ اما آنها مجال زیادی به داود (ع) ندادند و یکی برای طرح شکایت پیشقدم شد و گفت این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یکی بیش ندارم ولی او اصرار دارد که این یکی را هم به من واگذار! او از نظر سخن بر من غلبه کرده و از من گویاتر است. در این جا داود (ع) پیش از آن که گفتار طرف مقابل را بشنود- چنان که ظاهر آیات قرآن است- رو به شاکی کرد و گفت: مسلماً او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میش‌هایش بر تو ستم روا داشته! اما این تازگی ندارد بسیاری از دوستان و افرادی که با هم سرو کار دارند نسبت به یکدیگر ظلم و ستم می‌کنند مگر آن‌ها که ایمان آورده‌اند و عمل صالح دارند. آری آنها که در معاشرت و دوستی حق دیگران را به طور کامل رعایت کنند و کمترین تعدی بر دوستان خود روا ندارند کمند، تنها کسانی می‌توانند حق دوستان و آشنایان را به طور کاملاً عادلانه ادا کنند که از سرمایه ایمان و عمل صالح بهره کافی داشته باشند. به هر حال چنین به نظر می‌رسد که طرفین نزاع با شنیدن این سخن قانع شدند و مجلس داود را ترک گفتند.

ولی داود(ع) در اینجا در فکر فرو رفت و با این که می‌دانست قضاوت عادلانه‌ای کرده چه اینکه اگر طرف دعوا ادعای شاکی را قبول نداشت حتماً اعتراض می‌کرد، سکوت او بهترین دلیل بر این بوده که مسأله همان است که شاکی مطرح کرده، ولی با این حال آداب مجلس قضا ایجاب می‌کند که حضرت داود در گفتار خود عجله نمی‌کرد، بلکه از طرف مقابل شخصاً سؤال می‌نمود سپس داوری می‌کرد، لذا از این کار خود سخت پشیمان شد و گمان کرد که ما او را با این جریان آزموده‌ایم. در مقام استغفار برآمد و از درگاه

پروردگارش طلب آموزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد. به هر حال خداوند او را مشمول لطف خود قرار داد و لغزش او را در این ترک اولی بخشید چنان‌که قرآن در آیه بعد می‌گوید: ما این عمل را بر او بخشیدیم. و او نزد ما دارای مقام والا و آینده نیک است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۹، ۲۴۵-۲۴۸)

(۲۴۸)

نتایج

شاعران مسلمان از اشعارشان برای تحکیم‌سازی مبانی دینی- اعتقادی و اخلاقی بهره می‌برند و بدین وسیله خوانندگان‌شان را با این گونه اشعار متنبه و آگاه می‌کنند. ابن‌هانی البیری نیز یکی از شاعران نامی و شیعی مذهب اندلس است که با تربیت دینی قرآنی پرورش یافته است بدین جهت در اشعارش دام‌گیری از قرآن و آموزه‌های آن به کثرت دیده می‌شود و این وام‌گیری هم به صورت اقتباس از لفظ آیات قرآنی به صورت کامل یا به صورت بخشی از آیه و هم به صورت اقتباس مضمون و معانی آیات بوده است. در این میان شاعر با مهارت خاصی در لایه‌لای اشعارش در کنار تناص دینی- قرآنی، آموزه‌های بسیاری از اخلاق عملی همچون ذات روحانی و فضائل ائمه اطهار (ع)، یاری خداوند به بندگان، هدفمندی زندگی، وفای به عهد، مقام امامت اهل بیت پیامبر (ص)، صبر و استقامت در برابر ستمگران، زشتی صفت تکبر، حسابرسی دنیا و تقوای الهی داشتن را جای داده است.

یادداشت‌ها

۱. این بیت و بیت‌های مشابه آن که شاعر از صنعت بلاغی مبالغه و غلو برای بیان مقصود خود از آن استفاده کرده، موجب مناقشات زیادی در بین ناقدان و علما شده است؛ به طوری که بعضی‌ها را واداشته است که حکم به کفر و ارتداد او دهند. البته پژوهش‌گران وارسته و آگاه در ایران با مقالات خود سعی کرده‌اند که گرد اتهام را از این شاعر شیعی بزرگ پاک کنند؛ استادانی امثال دکتر محمد رضایی. برای اینکه مقصود بهتر بیان شود عین عبارت‌های دکتر محمد رضایی را بیان می‌کنم:

«آیا مدائح مبالغه‌آمیز او ناشی از کفر و الحاد است و بر ارتداد او دلالت دارد یا این که برآمده از اعتقاد راسخ به اصول مذهب اسماعیلی است؟»

ایشان این سؤال را با سؤال دیگری جواب می‌دهند: رجال دین که بر او خشم گرفتند چه کسانی بوده و معتقد به کدامین مذهب بوده‌اند و چه جایگاه و منزلتی داشتند؟ بدون شک رجال دین همان فقه‌های اهل سنت مالکی مذهب بودند که بر زندگی و محیط فکری، عقیدتی آن روز اندلس سیطره تام داشتند. چرا که تنها فقه مالکی در اندلس اجرا می‌شد و اهل سنت هم در این رهگذر قدرت یافتند. بنابراین، موارد بالا به خوبی ثابت می‌کند که مبارزه با گرایش‌های شیعی سرلوحه برنامه‌های عبدالرحمان سوم بوده است و اینکه فقه مالکی به صورت ابزاری کارآمد برای تنظیم روابط همزیستی گروه‌های اجتماعی درآمد، مطمئناً به دو علت بوده است؛ یکی این که امویان در سرزمین غریب مجبور بودند از بعضی تعصبات و جانبداری‌ها دست بردارند و مانند امویان شام به عربی بودن خویش و اینکه دولت آنها بایستی گوشت و خون آن عربی باشد تعصب نورزند و استفاده از فقه مالکی هم به منظور تنظیم روابط همزیستی با یهودیان و مسیحیان بوده است ولی هرچا سخن از شیعه و علویان و فاطمیان به میان می‌آمده سخت با آن مبارزه می‌کرده‌اند. بعید نیست فقه‌های اهل سنت بر کسی که عرصه را بر آنها تنگ نموده است و می‌رود تا هستی‌اش را برباد دهد، سخت گیرند و با دستاویزهای مذهبی صدایش را در گلو خفه کنند و او را متهم به کفر و زندقه و الحاد و ارتداد نمایند.» (رج: محمدرضایی، شرح حال ابن‌هانی شاعر شیعی: ۲۳۰-۲۴۸)

۲. ادیبان و ناقدان زیادی این سبک از مدایح ابن‌هانی را نپذیرفته‌اند؛

همانند احمد هیکل که نظر خود را به این شکل در مورد مدایح ابن‌هانی بیان می‌کند: «بدون شک، صراحت بیان زمانی پسندیده است که برخاسته از صدق عاطفه و احساس و اندیشه درست باشد، اما زمانی که مبالغات طوری باشد که ذوق ادبی، عقل و دین آن را تأیید نمی‌کند،

پسندیده و مقبول نیست؛ همانند اشعار مدحی که ابن‌هانی در مورد ممدوحانش و علی‌الخصوص معز سروده است.» در جواب ناقدان و ادیبانی همانند او که این چنین در مورد اشعار او حکم می‌کنند باید گفت که ابن‌هانی هم در کلام و هم در احساسات خود صادق است و این امر ناشی از تمسک و پایبندی او به اصول تشیع است و احساس راستین او به این که با زبان شعرش از این دین و پیروانش دفاع کند. و ابن‌هانی با صراحت کامل و نیز با تعصب کامل به دیانت خود یعنی تشیع، عقاید این دین راستین را بیان می‌کند که به مذاق خیلی‌ها که با اصول تشیع آشنا نیستند، تلخ و ناگوار است. (فرح، ۲۰۱: ۲۰-۲۱)

۳. اشاره دارد به آیه ۲۱-۲۶ سوره ص: وَ هَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضِمْ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ (۲۱) إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (۲۲) إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ (۲۳) قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ (۲۴) فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ (۲۵) يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۲۶).

ترجمه: آیا خبر مهم آن دادخواهان هنگامی که از دیوار بلند نمازخانه او بالا رفتند به تو رسیده است؟ «۲۱» زمانی که ایه طور ناگهانی بر داود وارد شدند و او از آنان هراسان شد، گفتند: ترس [ما] دو گروه دادخواه و شاک‌ی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است؛ بنابراین میان ما به حق داوری کن و [در داوری] ستم روا مدار و ما را به راه راست راهنمایی کن. «۲۲» این برادر من است، نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، گفته: این یکی را هم به من واگذار و در گفتگو مرا مغلوب ساخت. «۲۳» گفت: یقیناً او با درخواست افزودن میش تو به میش‌های خود بر تو ستم روا داشته است و قطعاً بسیاری از معاشران و شریکان به یکدیگر ستم می‌کنند، به جز کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته

قرار دادیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌کند. بی‌تردید کسانی که از راه خدا منحرف می‌شوند، چون روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذایی سخت دارند. «۲۶»

انجام داده‌اند و اینان اندک‌اند. داود دانست که ما او را [در این حادثه] آزموده‌ایم، در نتیجه از پروردگارش درخواست آمرزش کرد و بی‌درنگ به حالت خضوع به رو در افتاد و به خدا بازگشت. «۲۴» و ما او را در این [داوری] آزمیدیم، بی‌تردید او نزد ما منزلتی بلند و سرانجامی نیکو دارد «۲۵» [گفتیم: ای داود! همانا تو را در زمین جانشین او نماینده خود]

فهرست منابع

- القسطلی ابن دزّاج (۱۳۸۱-۱۹۶۱م). **دیوان القسطلی**، تحقیق: محمودعلی مکی، چاپ اول، دمشق: منشورات المکتب الإسلامی.

- المتنبی، أبوطیب (۱۴۲۷هـ - ۲۰۰۶م). **دیوان المتنبی**، شرح: عبد الرحمن المصطاوی، چاپ سوم، بیروت، دارالمعرفة.

- محمدرضایی، علیرضا (۱۳۸۰هـ). «شرح حال ابن هانئ شاعر شیعی اندلس»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، دوره ۱۵۷.

- المقری، أحمد بن محمد (۱۴۰۸-۱۹۸۸م). **نفتح الطیب من غصن الأندلس الرطیب**، تحقیق: احسان عباس، بیروت، دار صادر.

- قرآن کریم.

- ابن الخطیب، محمد بن عبد الله (۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م). **الاحاطه فی اخبار غرناطه**، تصحیح محمد عبدالله عنان، القاهرة. مکتبه الخانجی.

- ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۷ م). **وفیات الأعیان**، بیروت: دار صادر.

- ابن هانئ الأندلسی (۱۴۰۰هـ - ۱۹۸۰م). **دیوان ابن هانئ الأندلسی**، بیروت، داربیروت.

- اسماعیل الطائی، صفاف عدنان (۱۴۲۶هـ-۲۰۰۵م). **شعر أبي الطیب المتنبی و ابن هانئ الاندلسی تحلیل و موازنه**، اشرف: دکتر عباس مصطفی محمد الصالحی، رساله دکتورا، جامعه بغداد.

- بسّج، أحمد حسن (۱۴۱۴-۱۹۹۴م). **ابن هانئ الأندلسی عصره و بیئته و حیاته و شعره**، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

- الحُصّری القیروانی، أبي اسحاق ابراهیم بن علی (۱۴۲۱هـ). **زهراآداب و ثمرالأباب**، شرح: صلاح‌الدین الهواری، بیروت: المکتبه العصریة، ج ۱.

- شیبانی، سعید (۱۳۸۱هـ). «تقلین در دیوان ابن هانئ أندلسی»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، شماره: ۱۶۳-۱۶۴، دوره ۵۳.

- زاهد، علی (۱۳۵۲هـ). **تبیین المعانی فی شرح دیوان ابن هانئ الأندلسی المغربی**، بغداد، مطبعة المعارف.

- الفاخوری، حنا (۱۳۸۳). **تاریخ الادب العربی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.

- فروخ، عمر (۱۹۸۴م). **تاریخ الادب العربی**، چاپ دوم، بیروت: دار العلم للملایین، جلد چهارم.